

بایسته‌های اخلاقی در بانکداری اسلامی

۱ علی عربی
۲ محمود باقری
۳ محمود عرفانی

چکیده

روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که می‌فرماید: (العبادة سبعون جزئا افضلها طلب الحلال) یعنی عبادت هفتاد جزء دارد که برترین آنها کسب حلال است. بر این اساس مومنین واقعی به اخلاق حرفه‌ای بانکداری برای کسب حلال خود اهمیت ویژه می‌دهند بنا بر این از نظر آنها بانکی که می‌خواهد بر اخلاق اسلامی استوار باشد می‌بایست ۶ هدف اصلی به شرحی که در متن مقاله شرح داده شده از جمله اجرای عدالت اقتصادی در سطح جامعه را دنبال نماید لذا ایده بانکداری اسلامی اولین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح و اولین بانک سرمایه‌گذاری اسلامی در دهه ۱۹۶۰ در مالزی و مصر تأسیس شد و هم اکنون بیش از ۱۰۰ نوع بانک اسلامی وجود دارد اما در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ شمسوی تصویب شد اما هنوز بحث نظری و فقهی موجود در افکار عمومی که خود را متعلق به اخلاق اسلامی میدانند به طور واقعی حل نشده لذا در وجدان خود استفاده از عقود اسلامی را صوری می‌انگارند و تصور می‌کنند سود رد و بدل شده ربا می‌باشد. لذا در این مقاله سعی شد با بررسی عملیات بانک‌ها با تکیه بر ارزش پولی زمان و ارزش زمانی پول از نظر فقه اسلام بررسی و سعی کنیم پاسخ در خوری بیابیم. بدیهی است بانک به هنگام تجهیز منابع، به سپرده‌گذاران سود پرداخت می‌کند و نیز هنگام تخصیص منابع به مشتریان از آنها سود دریافت می‌کنند این دو در بستر زمان اتفاق می‌افتند، نحوه پرداخت و دریافت این سودها راه بانکداری اسلامی را از بانکداری متعارف جدا می‌کند و ربا که جزء حرام‌های مسلم شرع مقدس اسلام است از گذر زمان پدید می‌آید. به همین دلیل به مسلمات فقه از جمله معاملات سلف و نسیه که مورد اجماع فقهای است استناد می‌کنیم تا فرق این دو را با ربا بیابیم.

واژگان کلیدی

اخلاق، بانکداری اسلامی، بانکداری متعارف، سود، ربا، زمان، معاملات سلف، معاملات

نسیه.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی.

Email: Arabi1391@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Mahmood31@hotmail.com

۳. استاد تمام گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: Erfani4@yahoo.fr

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۳

طرح مسأله

در این برهه از زمان که ما زندگی میکنیم و جهان را دهکده جهانی مینامند و ارتباطات گسترده شده طبیعتاً نقش «پول» در اقتصاد نقشی مهم و اساسی و جزء جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان محسوب می‌گردد.

و نقش گردش پول در اقتصاد تو سطر بانکهها انجام میشود بانکهها در این خصوص که محل جریان و نیز رسوب پولهای کلان هستند دو نوع نگرش دارند یکی صرفاً موضوع را تجاری مبیند و همه چیز بر حسب سود و درآمد زایی تعریف میگردد و لاغیر که این نوع نگرش مخصوص انانی است که یا اعتقاد دینی مذهبی ندارند یا اعتقادات را دخالت نمیدهند و نگرش دوم بانکداری اخلاق محور است که ویژه نظامهای اعتقاد و مذهب محور میباشد از جمله در مسیحیت نیز به این موضوع اهمیت داده میشود لیکن در مانحن فیه تمرکز بحث ما اخلاق اسلامی میباشد لهذا مقاله پیش روی موضوع اهمیت اخلاق اسلامی در بانکداری و مشخصاً نقش «زمان» در بانکداری و اهمیت آن از نظر اخلاق اسلامی در بانکداری را به عنوان دو عنصر مهم از عناصر بارز و حاضر و مؤثر در اغلب عملیات‌های بانکی را انتخاب نموده است، چرا که با وجود ابداع غربی بودن بسیاری از ابزارهای مالی در عملیات بانکداری، اغلب کشورهای اسلامی نیز از عملیات مزبور بهره گرفته و استفاده می‌کنند. با توجه به اصل قابلیت تعمیم داشتن دین اسلام به همه زمان‌ها و موضوعات و توانایی ارتباط و قاعده‌مندسازی موضوعات با مبانی نظری که اقتصاد نیز تحت قاعده مزبور قرار می‌گیرد؛ بر آن شدیم تا موضوع مزبور را حسب مقدمات، مورد بررسی فقهی حقوقی قرار دهیم تا حکم شرعی ابزارهای مورد استفاده در بانکداری اسلامی را روشن نماییم.

در این مقاله موضوع مورد بحث استنتاج یک اصل کلی در خصوص اینکه ابتدا در روابط تجاری و سپس در روابط عبادی، آیا پول ارزش زمانی دارد یاخیر؟ و اگر دارد چه تفاوتی بین ارزش زمانی پول در قراردادهای سلف و نسیه از یک طرف و قرارداد قرض تجاری و همینطور قرض عبادی که به آن قرض الحسنه گفته میشود وجود دارد. ابتدا مورد بحث قرض در روابط تجاری است که در این قراردادهای تجاری اعم از اینکه از طریق اوراق بدهی (اوراق صکوک) و یا قرض عادی باشد، عمل عبادی و قربه الی الهی مورد نظر نیست. سوال این است که آیا اگر به هر دلیل قراردادی یا غیر قراردادی پولی از یک نفر در نزد یک نفر دیگر باشد، فارغ از بحث تورم، نفر دوم از این پول بهره تجاری برده باشد، آیا نفر اول مستحق هیچ جبران خساراتی یا دریافت پاداشی از باب ارزش زمانی پول هست یا خیر؟

(ضمناً به دلیل اینکه بانکهها عملاً از عقود مشارکی عدول می‌کنند و در واقع پول را از سپرده گذار تملک می‌کنند و به مشتری تملیک می‌کنند چون در هر حال پول مثلی است و

بانک امین سپرده گذار نیست که پول او را صرفاً نگهدارد و مشتری نیز امین بانک نیست. اگر غیر از این باشد این دیگر در تعریف بانک نمی‌گنجد، لذا از لفظ قرض تجاری استفاده شده چون در قرض است که تملیک می‌شود در مقابل عوض)

۱- پیشینه بحث: ایران بعد از اسلام

ورود اسلام به ایران ابتدا سبب رکود فعالیت بانکداری در شکل آن روزیش گردید، زیرا از رایجیات بانکداری، اخذ ربا بوده است که با احکام اسلام منافات داشت و همین سبب توقف بانکداری در ایران بود و تا اوایل قرن نوزدهم میلادی در ایران فعالیت و جایگزین بانکداری، صرافی بود و گاهاً همین فعالیت دچار رکود می‌شد که دوران صفویه به لحاظ رونق دادن فعالیت اقتصادی و ایجاد امنیت نسبی در کشور از گزند مغولان، صرافی را دوباره به رونق رسانید.^۱

با توسعه تجارت خارجی در اواخر حکومت صفویه، نیاز به داشتن بانک و پول کاغذی بیشتر احساس شد. با این همه، تأسیس بانک در ایران تا سال ۱۲۶۶ شمسی که بانک جدید شرق در تهران شروع به فعالیت کرد، به تأخیر افتاد. مرکز این بانک در لندن بود و بدون هیچ‌گونه امتیازی اقدام به جلب پس‌اندازها و اندوخته‌های مردم و آشنا نمودن آنان با

نظام بانکی جدید می‌کرد. پس از این اتفاقات و تحولات بسیاری در جهت ایجاد نظام بانکی و بانک‌های مختلف توسط روس‌ها یا انگلیس‌ها و روشن شدن این مهم که بانکداران خارجی توجه به منافع ملی ما ندارند، سرانجام پیشنهاد تأسیس بانک ایرانی در سال ۱۲۸۵ مورد قبول دولت قرار گرفت تا اولین بانک ایرانی در سال ۱۳۰۴ تأسیس شود. البته تا سال‌ها وضعیت نابسامانی در نظام بانکی کشور چه از لحاظ نظارت و چه از لحاظ مقررات دریافت مجوز تأسیس و فعالیت بانک‌های خارجی در کشور حاکم بود تا اینکه در سال ۱۳۳۹ بانک مرکزی ایران تأسیس شد. بعد از انقلاب نیز تحولات مهمی در نظام بانکی رخ داد از جمله ملی کردن بانک‌ها، ادغام بانک‌ها و مهم‌تر از همه حذف ربا از نظام بانکی ایران و شناسایی بانکداری بدون ربا به عنوان تنها شیوه بانکداری با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۶۲ بود.^۲

۱-۱- ماهیت اسلامی بانک

طرح بحث

دلایل اقتصادی متعددی وجود دارد که سیستم مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان به تجمع بهتر پس‌اندازها و به‌کارگیری منابع مالی بانکی به بهترین کاربردهای ممکن می‌انجامد و

۱ بهنود، محمد و سایرین، بانکداری داخلی یا تجهیز منابع، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۰.

۲ برای توضیحات بیشتر ر.ک به: السان مصطفی، ۱۳۹۱، صص ۱۰-۱۳.

به دنبال آن باعث عدالت در توزیع درآمد و تقویت روحیه مشارکت میان دارندگان پول و پس‌انداز کنندگان و عاملین و کار آفرینان می‌گردد. بانک‌های اسلامی طی بیش از نیم قرن، در کشورهای اسلامی به تجمیع پس‌اندازهای کسانی همت گمارده‌اند که به خاطر اعتقادشان به حرام بودن بهره (ربا) از تعامل با بانک‌های متعارف پرهیز نموده‌اند. در بانکداری اسلامی نه تنها دریافت سود (آنچه ربا نامیده می‌شود) ممنوع است،^۱ بلکه اوراق قرضه، عقود مدت‌دار و قراردادهای بانکی خاص، به شکل رایج در غرب، به عنوان مثال در بانک‌های آمریکایی، نیز وجود ندارد. همچنین بر اساس قوانین بانک‌های اسلامی، فرد نمی‌تواند چیزی را معامله کند که هنوز وجود خارجی ندارد یا خود مالک آن نیست. این عاملی است که ریسک سیستمی را کاهش می‌دهد. گرچه محدودیت‌های دیگری را در پی دارد.

۲-۱ - انعقاد قراردادهای مشارکتی

بانک‌های اسلامی سود مورد نیاز خود را از راه‌هایی همچون بستن قراردادهای مشارکتی تأمین می‌کنند. بدین ترتیب که بانک در یک پروژه به عنوان شریک وارد می‌شود و سهمی از سود حاصل دریافت می‌کند؛ البته اگر پروژه‌ها با شکست مواجه شود، دارایی بانک نیز از بین خواهد رفت لذا برای جلوگیری از این خطر معمولاً در حین انعقاد قرارداد شریک مقابل بانک یا به عبارتی مشتری بانک شرط ضمن عقد می‌کند که اگر پروژه سود مورد انتظار را نداشت یا با شکست روبرو شد تا درصد معینی از سود مورد انتظار بانک را از اموال شخصی خود به بانک می‌پردازد و منطق این موضوع هم سه مطلب است:

الف: بانک به اعتماد مشتری و توجیهی که مشتری برای اقتصادی بودن طرح ارائه کرده وارد چنین مشارکتی می‌شود که مطمئناً از تخصص‌های بانک نمی‌باشد و مشتری برای اثبات واقعی بودن طرح و واقع بینانه بودن ارزیابی طرح چنین تضمینی می‌دهد و البته همین که از اموال خود مایه می‌گذارد قطعاً در جلب رضایت و رغبت بانک برای حضور در چنین مشارکتی مؤثر است.

۱ بهره به مفهوم امروزی در نظام بانکداری مدرن با تمام تحولاتی که در مفهوم، ماهیت، کارکرد و بررسی‌ها اتفاق افتاده، با ربا متفاوت است. آنچه امروزه از آن به عنوان بهره یاد می‌شود، چیزی نیست جز هزینه پول به مفهوم جمع رجحان زمانی و تاریخی پول و نقدینگی و مفهوم ریسک در مدیریت تجهیز و تخصیص منابع و ذخیره‌گیری برای ریسک‌های مترتب بر دارایی‌های مالی به علاوه شکاف هزینه واسطه‌گری که با نظام اعتبارسنجی شناسایی شده و هزینه‌ای است که ارتباط مستقیمی در صورت‌های مالی بانک‌ها نیز ممکن است نداشته باشد. بنابراین حتی اگر بپذیریم که پول کالا نیست، این بدان معنی نیست که واجد قیمت نباشد. ما بسیاری پدیده‌ها داریم که کالا نیستند ولی قیمت دارند؛ مانند زمان در عملیات مالی بانکی و غیربانکی که کالا نیست ولی قیمت دارد و بحث ما معطوف به همین موضوع است.

ب: شرع مقدس برای چنین تضمینی منعی نفرموده و در باب مضاربه جایز هم دانسته پس امکان پذیر است.

ج: چون مشتری مجری طرح است و خود در ریسک پروژه شریک می‌شود بانک اعتماد می‌کند اجرای کار را به او بسپارد.

علی‌ایحال بانک‌ها از طریق ابزارهای تأمین مالی جدید بر گرفته از عقود اسلامی مانند مضاربه، مرابحه، اجاره، مشارکت و ... در تأمین مالی تعداد زیادی از پروژه‌های کوچک و متوسط موفق بوده‌اند که در شرایط عدم وجود بانک‌های اسلامی چنین پروژه‌هایی نمی‌توانستند در سیستم بانکی موجود به منابع مالی موردنیاز دست یابند. این در حالی است که کمک به چنین پروژه‌هایی اقدامی مهم در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

در همه عملیات بانکی دو عمل تجهیز منابع و مدیریت مصارف از جمله اصلی‌ترین عملیات بانکی است که بانک را به صورت یک واحد مالی از دیگر واحدهای اقتصادی متمایز می‌کند. نظام بانکداری بدون ربا نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بانک اسلامی نیز نظیر سایر بانک‌ها با استفاده از منابع پس‌انداز گروهی از افراد جامعه، نیازهای مالی دیگر گروه‌ها را تأمین می‌نماید. بدین ترتیب از نقطه نظر اتکا بر منابع پس‌انداز جامعه، تفاوتی بین بانکداری متعارف متداول در کشورهای دیگر با بانکداری بدون ربا وجود ندارد، لیکن آنچه که بانکداری بدون ربا را از بانکداری متعارف متمایز می‌کند ماهیت و شکل آن است. اصولاً شیوه‌های رفتاری در چارچوب روابط حقوقی که بین بانک و مشتری به وجود می‌آید شکل می‌گیرد. البته آن دسته از عملیات بانکی که تابع اصول و ضوابط مشابهی هستند، چه در محیط اسلامی و چه غیراسلامی، نبایستی از یکدیگر متفاوت باشند چرا که آن دسته از رفتار یا روابط حقوقی بین بانک و مشتری که با موازین اسلامی در تعارض نباشند در محیط اسلامی هم پذیرفته شده‌اند. مانند خدمات بانکی مختلف که فوراً ارائه میشوند و بانک نیز کارمزد خود را دریافت میکنند و زمان نیز در اینگونه خدمات مطرح نیست لذا مورد بحث ما هم نیست.

۲- ارزیابی دکتترین بانکداری اسلامی

به هر حال، برای بررسی تلقی محققان بانکداری اسلامی از بانک، می‌توانیم به آثار آنها مراجعه کنیم. فهیمی که عمده محققان بانکداری اسلامی از بانک دارند، در نظر گرفتن بانک به عنوان یک نهاد واسطه مالی (میان سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان) است. شهید صدر در کتاب «البنک اللاربوی» یا همان بانکداری بدون ربا به دنبال ترتیبات بانکی بوده است که در آن ربا نباشد. از منظر وی بانک ربوی یک نهاد مالی است که نقش اساسی آن واسطه‌گری میان سپرده‌گذاران و فعالان اقتصادی متقاضی تأمین مالی است. از نظر ایشان مهم‌ترین فعالیت‌های بانک ربوی عبارت از قرض گرفتن با بهره یا بدون بهره و سپس قرض دادن با بهره بالاتر است

و درآمد بانک ربوی از تفاوت بین دو نرخ بهره حاصل از قرض مذکور به دست می‌آید. دکتر توتونچیان در کتاب «پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری» درباره ماهیت پول، سرمایه، سود و بهره به‌طور مستقل بحث کرده است، اما بحثی از ماهیت بانک در نظام سرمایه‌داری ندارد. او ذیل عنوان نحوه عمل بانکداری سرمایه‌داری و اسلامی به ماهیت واسطه‌گری بانک ربوی اذعان می‌کند. ایشان خلق پول بانک‌ها را بر اساس رویکرد ضریب فزاینده پولی با عنوان تسلسل «سپرده وام» طرح می‌کند و بر نقش تغییرات نرخ ذخیره قانونی در کاهش یا افزایش آزادی عمل بانک‌ها در اعطای وام تأکید می‌کند. البته توتونچیان ماهیت حقوقی بانک اسلامی را متفاوت از بانک ربوی می‌داند. از منظر او بانک اسلامی واسطه وجوه نیست، بلکه یک مؤسسه تأمین مالی می‌باشد که وکیل سپرده‌گذار و شریک سرمایه‌گذار می‌باشد. بانک اسلامی به نیابت از طرف سپرده‌گذاران مسلمان، بخشی یا تمام سرمایه مورد نیاز متقاضیان را تأمین می‌کند. بانک اسلامی نمی‌تواند مانند بانک ربوی واسطه وجوه باشد زیرا این بانک جز در مورد قرض الحسنه به هیچ شخص حقیقی یا حقوقی وام نمی‌دهد، بلکه بر اساس تقاضای متقاضی و به استناد طرح‌های سرمایه‌گذاری او آن‌ها را تأمین مالی می‌کند. در نظام اسلامی اگر چه وظایف بانک‌ها شبیه به وظایف آنها در بانکداری متعارف است، ولی به هر حال باید احکام شرعی را رعایت کنند. بدین معنی که بانک‌ها به عنوان نظم‌دهنده نظام پرداخت‌ها و نیز واسطه‌های مالی عمل می‌کنند.

۱-۲- ارزیابی بحث

به‌طور کلی تلقی اقتصاددانان مسلمان از ماهیت بانک متعارف همچون تلقی بعضی از اقتصاددانان غربی، کامل نیست. اقتصاددانان مسلمان بانک متعارف را به عنوان یک نهاد واسطه مالی صرف در نظر می‌گیرند که در چارچوب رویکرد ضریب فزاینده پولی اقدام به خلق پول می‌کند.^۱ بر اساس این تبیین از ماهیت بانک متعارف، آنچه با آموزه‌های اسلام در تعارض قرار می‌گیرد، عقد (قرارداد) قرض مبتنی بر ربا است. بر اساس این تبیین از ماهیت بانک است که بخش اعظم مطالعات بانکداری اسلامی معطوف به حذف ربا از ترتیبات بانکی شده است. بر این اساس در صورت تغییر ماهیت قرارداد میان سپرده‌گذار و بانک و در سوی دیگر تسهیلات گیرنده با بانک، بانک بدون ربا یا اسلامی خواهیم داشت. بانک بدون ربا یا اسلامی وکیل سپرده‌گذار است و شریک سرمایه‌گذار (در عقود مشارکتی) می‌باشد. این رویکرد مبنای تدوین قانون عملیات

۱ در رویکرد ضریب فزاینده بانک بخشی از سپرده‌هایی که تحت عنوان قرض و در مقابل پرداخت بهره به دست آورده است را به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه را نیز تحت قرارداد قرض و در قبال دریافت بهره در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد.

بانکداری بدون ربا قرار گرفته است.^۱

۳- بانکداری اسلامی و بانکداری بدون ربا

طرح مطلب

نظام بانکداری ایران از سال ۱۳۶۲ با توجه به اینکه قانون جدید بیشتر ناظر بر حذف ربا از سیستم بانکی است «بانکداری بدون ربا» نام گذاری شد اما در بانکداری اسلامی علاوه بر حذف ربا از سیستم بانکی و انجام قراردادهای بر اساس عقود اسلامی روی موازین دیگر اسلام هم تأکید می‌شود.

۱-۳- ایجاد مساوات در دسترسی افراد با توزیع عادلانه تسهیلات بانکی

توزیع عادلانه تسهیلات بانکی بین بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه دومین ویژگی بانکداری اسلامی است. منابع بانک‌ها منابعی ملی است که از طریق سپرده‌های بانکی جمع‌آوری می‌شود و باید به شکل عادلانه بین اقشار مختلف جامعه و بخش‌های مختلف اقتصادی و جغرافیایی توزیع شود و اینگونه نباشد که بخش مهمی از منابع در یک استان و بخش خاصی متمرکز شده و بقیه بخش‌ها و مناطق از تسهیلات بانکی محروم بمانند.

۲-۳- تعیین نرخ‌های سود بر حسب کاربرد تسهیلات در تولید و ایجاد اشتغال با هدف اجرای عدالت اجتماعی

موضوع دیگر، تعیین نرخ‌های سود به صورت عادلانه است، یعنی در بانکداری اسلامی باید نرخ‌های سود به صورت تعادلی به وجود آید و عادلانه بین سپرده‌گذاران، بانک و گیرنده‌های تسهیلات توزیع شود. در واقع در بانکداری اسلامی با سه گروه سپرده‌گذاران، گیرنده‌های تسهیلات (فعالان اقتصادی) و بانک‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی روبرو هستیم به همین جهت نرخ‌های سود در بانکداری اسلامی به گونه‌ای باید تعیین شود که هر سه گروه متناسب با ارزش سرمایه و ارزش فعالیت اقتصادی، سهمی از ارزش افزوده یا رشد تولید ملی داشته باشند. گرچه در این موضوع اختلاف نظر جدی وجود دارد و عده‌ای بر این عقیده هستند که در تعیین نرخ بهره نباید به صورت دستوری و حاکمیتی دخالت شود بلکه تعیین نرخ بهره را بازار باید تعیین کند و بر عقیده خود استدلال میکنند که: اولاً که این واقعاً سود نیست و ثانیاً اینکه بازار باید درصد سود را تعیین کند. در زمان پیامبر که ایشان با حضرت خدیجه کار می‌کرد، در واقع

۱ حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی، هجدهمین نشست نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی (سلسله جلسات نقد و بررسی پژوهش‌های بانک‌داری و مالی اسلامی)، «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی»، ۱۳۹۵ موجود در:

ایشان و یا هر عامل دیگر در بازار کار بر اساس شرایط بازار درصد خود از سود ناشی از مضاربه را مثلاً ۵۰٪ درصد از سود تعیین می‌کرد و این تابع قدرت چانه زنی و شرایط بازار بود. حال با کدام مجوز شرعی باید درصدهای را بر طرفین تحمیل کرد؟ اینجا که بازار بهره است، حتی در بازار سود اگر وجود داشته نیز شرایط بازار تعیین کننده است. البته این موضوع به اصل بحث شما هم ارتباطی ندارد.

۳-۳- رعایت اخلاق اسلامی

«رعایت اخلاق اسلامی در در کسب و کار یا به عبارتی اشاعه کسب حلال»، یکی دیگر از ویژگی‌های بانکداری اسلامی است. در متون اسلامی بخش مهمی به نام اخلاق بازار و کسب و کار وجود دارد که در آن توصیه‌های زیادی به بازاریان مسلمان شده است که در معاملاتشان چه نکات اخلاقی را رعایت کنند. نظام بانکداری ایران بدون ربا است و هنوز ادعای بانکداری اسلامی نشده است و قانون هم در حد قانون عملیات بانکی بدون ربا مطرح شده و مسؤولان هم در همین حد ادعا دارند البته تلاش می‌شود که به سمت بانکداری اسلامی ارتقا بدهند.

۳-۴- حفاظت از محیط زیست

در بانکداری اخلاق محور برای حفاظت از محیط زیست به عنوان اساسی ترین نیاز زندگی اجتماعی بشر اهمیت ویژه قائل است و از این رهگذر بانکداری سبز و اسامی شبیه اینها در حال گسترش می‌باشد.

۳-۵ رعایت حقوق اجتماعی عموم جامعه اعم از مشتریان و سهامداران و کارکنان بانکها و قرار گرفتن اموال در موضع قوام و کارایی با رعایت اصل (الاهم فالاهم)

۳-۶ امانتداری، وفای به عهد، صداقت و راستگوئی برای حفظ و ارتقای خوشنامی و اعتبار نظام بانکی اخلاق محور.

نقد و ارزیابی

بانکداری اسلامی می‌خواهد براساس روندهای کلی به صورت اسلامی عمل کند و معتقد است باید در همه موازین بانکی، ربا، قمار، غرر، ظلم و... نباشد و همچنین عدالت و کارایی وجود داشته باشد اما بانکداری بدون ربا می‌خواهد گوشه‌ای از نظام بانکی را اصلاح کند. همچنین برای تحلیل جامع بانکداری اسلامی باید به سطح کلان‌تر یعنی اقتصاد

اسلامی توجه داشته باشیم؛ چراکه بانکداری اسلامی از دل اقتصاد اسلامی بیرون می‌آید و این اشتباه است که گمان کنیم می‌توانیم در دل بانکداری متعارف، بانکداری اسلامی داشته

باشیم.^۱

در واقع یکی از اشتباهات رایج در بین کارشناسان بانکی کشور و عامه مردم آن است که بانکداری بدون ربا را معادل بانکداری اسلامی می‌پندارند؛ حال آن‌که بانکداری بدون ربا تنها بخشی مهم از بانکداری اسلامی است و نه همه آن. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اجرای کامل عملیات بانکداری بدون ربا تنها یکی از گام‌های تحقق بانکداری اسلامی است و نظام بانکداری کشور بایستی جهت برآورده شدن سایر بخش‌های بانکداری اسلامی فعالیتی مجدانه از خود نشان دهد.

۴- چگونگی تأثیر زمان بر محصولات بانکی

احکام شرعی به دو دسته متغیر و ثابت یا به عبارت مانوس تر احکام اولیه و ثانویه تقسیم می‌شوند که احکام متغیر یا ثانویه بر حسب مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کنند و مصلحت موجود بر حسب زمان و مکان حرمت یا وجوب اعمال و رفتار را مشخص می‌سازند. اما احکام ثابت به این شکل از زمان تأثیر نمی‌پذیرند. البته این بدان معنی نیست که این احکام از زمان و مکان متأثر نیستند بلکه بدین معنی است که نباید انتظار داشت تأثیرپذیری احکام ثابت مانند تأثیرپذیری احکام متغیر باشد.

در احکام ثابت ولی امر حق ندارد به حرمت آنچه در شریعت حکم اصلی آن وجوب است یا به وجوب آنچه در شریعت حکم اصلی آن حرمت است حکم کند. در واقع زمان و مکان به شکل دیگری در این احکام تأثیر می‌گذارند. یعنی هرچند زمان و مکان در تعیین نوع آن دخالت ندارد، ولی در تطبیق آنها بر مصادیق و تشخیص موضوعاتشان مؤثر است. به عبارت دیگر احکام ثابت از جهت نظری ثابت هستند ولی به هنگام تطبیق و تعیین مصادیق ممکن است تغییر یابند.^۲

حال در موضوع ربا نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. حرمت ربا که از احکام ثابت شرعی است در طول زمان تغییر نمی‌کند، اما تطبیق آن با موضوع تغییر می‌کند. در ایام قدیم موضوع گرفتن زیاده در قرض بود که مابین دو فرد اتفاق می‌افتاد، ولی اکنون موضوع گرفتن زیاده در عقود بالاختصاص عقود بانکی است که به شکل دیگری در جریان است.

در واقع باید گفت پول دارای یک ارزش زمانی است که در نظام بانکداری کنونی اهمیت بسیاری دارد و نمی‌توان چنین مفهومی را نادیده گرفت. در واقع زمان دارای ارزشی است که در نظام بانکی با پول سنجیده می‌شود و بهترین نمود آن در عقود است که برای اعطای اعتبار

۱ عیوضلو، حسین؛ توسلی، محمداسماعیل، نشست تخصصی «ما و بانکداری اسلامی»، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۵ دی‌ماه ۹۶

۲ زمانی، محمود، نقش زمان و مکان در اجتهاد از دید شهید صدر، نقد و نظر، سال دوم، ش. ۵، ص. ۲۳.

استفاده می‌شود و یا در ابزارهایی است که برای جلوگیری از نقض عهد استفاده می‌شود از جمله وجه التزام.

۵- تأثیر زمان بر شکست بازاری

عنصر زمان در بسیاری از معاملات، به عنوان یکی از ارکان عقد و یکی از عوامل کارایی بازار مسلمین به حساب می‌آید تا جایی که عدم شفافیت عنصر زمان، موجب بطلان عقد خواهد شد. در برخی موارد نیز ابهام و نامشخص بودن عنصر زمان در عقود و معاملات موجب نقض کارایی بازار و شکست بازاری می‌گردد. در واقع معاملات بانکی باید در چارچوب اصول اساسی صحت معاملات صورت پذیرد از جمله اینکه معامله نباید به هیچ شکلی ربوی و غرری باشد،

لذا در اقتصاد اسلامی، هر جا که معامله‌ای در جهل منجر به خطر و غرر واقع شود و به‌ویژه در معاملات مدت‌داری که اکثر عقود اسلامی را شامل می‌شوند و در نظام بانکی به وفور از آنها استفاده می‌شود، عنصر زمان به عنوان یکی از ارکان قراردادی محسوب می‌شود تا جایی که اگر مقطع زمانی عقد نامشخص باشد یا حتی مبهم باشد، می‌تواند به صحت عقد خلل ایجاد کند و این امر در سطح وسیع شکست بازاری را در پی خواهد داشت.

۶- ارزش زمانی پول در نظام مالی اسلامی

در فقه اسلامی مقبول همه فقهای عظام است که در هر معاوضه‌ای می‌باید عوضین مالیت داشته باشند و صرف مال بودن کفایت نمی‌کند. از سوی دیگر پر واضح است که جنس و کالا غیر از اوصاف آن است و زمان از اوصاف کالاست، همانطور که در کتب فقهی، فقهای محترم بین یخ در زمستان و یخ در تابستان، حسب وصف زمانی آن، تفاوت قائل شده‌اند. لذا بنظر می‌رسد همین امر منجر می‌شود تا بین مال و مالیت فرق بگذاریم. مال امری است اصیل، ناظر بر علت مادی و وجودی؛ اما مالیت امری است تبعی برخاسته از دستگاه‌های اعتباری و بشری و از همین مقوله است که مالیت عرفی غیر از مالیت شرعی است و مالیت اقتصادی حسب شرایط زمان و مکان متفاوت می‌گردد. از این‌رو می‌گوییم زمان هر چند مال نیست ولی موجب زیادت و نقصان در مالیت می‌شود، چرا که از اوصاف مهم مال در نزد عرف محسوب می‌شود.

نتیجه اینکه مالیت زمان و ارزش آن در اندیشه اسلامی قابل طرح و مقبول است. حسب عموماً فقه و اجماع جمیع فقهای عظام در باب قاعده «لأجل قسط من الثمن» به نظر بلا اشکال و مقبول می‌رسد.^۱ و بیشترین سوال این مقاله هم ناشی از این مسلمات است به عنوان مثال می‌گوئیم در معاملات سلف و نسبه اجماع علمای می‌پذیرند که زمان در قیمت تاثیر بگذارد

۱ زاهدی وفا، محمد هادی، پیغامی، عادل، پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، ش. ۱، ۱۳۸۸، صص. ۵-۳۸، ص. ۲۶.

چرا در وام‌های بانکی برای زمان بازپرداخت ارزش قائل نمی‌شوند و هر اضافه دریافتی را مصداق ربا و حرام اعلام میکنند؟ در حالیکه اگر برای زمان ارزش قائل شوند میشود هزینه تمام شده پول.

۷- زمان در قواعد بانکداری اسلامی

نقش زمان در بازار پول، نقشی محوری است که در نظام بانکداری متعارف پذیرفته شده و پنهان نمی‌شود، ولی در نظام بانکداری بدون ربا کشور، هر چند از زمان تأثیر می‌پذیرد اما نقش محوری آن پذیرفته نشده است و همین موضوع مشکلاتی ایجاد کرده و باعث شده که قواعد بانکداری اسلامی به درستی پیاده نشوند. در این خصوص ابتدا نظریه مشارکت در سود و زیان و سپس برخی از مهمترین عقود بانکی و سایر ابزارهای مالی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۷-۱- نظریه مشارکت در سود و زیان و ربا

از حدود چهار دهه پیش، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی اعتباری اسلامی براساس نظریه مشارکت در سود و زیان تأسیس شدند. این نظریه گرچه در ساحت ایده و نظر باعث افزایش سرمایه‌گذاری و توزیع تسهیلات بانکی می‌شد، اما در ساحت اجرا و عمل با چالش‌ها و مشکل‌هایی جدی چون اشتقاق نرخ‌های سود بانک‌های اسلامی از نرخ‌های بهره بین‌المللی، تعیین نرخ سود معین برای سرمایه، خطر اخلاقی متقاضیان تسهیلات، تأخیر بازپرداخت بدهی‌ها، فقدان راهکار مناسب جهت تأمین مالی دولت و فقدان زیرساخت‌های نهادی روبه‌رو شد.^۱

عقود مشارکتی یکی از کاراترین روش‌های تحقق مشارک واقعی در نظام بانکداری بدون ربا قلمداد شده و گسترش آن، رشد و شکوفایی و پیشرفت اقتصادی کشور را به ارمغان می‌آورد. بر این اساس برخی از متفکران حوزه اقتصاد اسلامی اعتقاد دارند که عقود مشارکتی با توجه به ویژگی‌های خاص، از جمله پیشرفته‌ترین نوع معاملات در بانکداری اسلامی محسوب می‌شود. اما نحوه عملکرد عقود مشارکتی در نظام بانکی و مشکلات شرعی آن به‌ویژه در زمینه شناسایی و تقسیم سود، تا حدی است که گروه دیگری از اندیشمندان عرصه بانکداری اسلامی، عدم استفاده از عقود مشارکتی را برای پرهیز از شبهات شرعی و ربوی توصیه و حرکت به سمت بهره‌گیری از عقود مبادله‌ای را در تخصیص منابع بانکی تجویز و فاصله گرفتن از عقود مشارکتی به علت ناهمخوانی با کارکردهای بانکی را پیشنهاد می‌کنند.^۲

۱ آقا نظری، حسن، نظریه مشارکت در سود و زیان، چالش‌ها و راهکارها، اقتصاد اسلامی، سال هشتم، ش. ۲۹، ۱۳۸۷، صص. ۶۳-۷۹، ص. ۱.

۲ نظریور، محمدنقی، کشاورزیان پیوستی، اکبر، الزامات احیای عقد مشارکت حقوقی راهبردی برای تحقق بانکداری PLS در نظام بانکدار بیدون ربا، راهبرد اقتصادی، سال دوم، ش. ۷، ۱۳۹۲، صص. ۳۹-۷۹، ص. ۲۰.

یکی از مصادیق فقدان تطابق ماهوی عقد مشارکت با بانک تفاوت آنها در درجه ریسک است. عقد مشارکت در ذات خود، در بردارنده درجه ریسک بالایی است. پذیرش این میزان ریسک برای بانک اساساً امکان‌پذیر نیست. از آنجا که بانک در عمل نمی‌تواند این میزان از ریسک را بپذیرد، بندهای موجود در قرارداد را طوری تغییر می‌دهد تا در حد امکان، همه ریسک‌های موجود در طرح را به مشتری منتقل کند و به دریافت سود ثابت اکتفا می‌کند. این در واقع، ریشه اصلی تغییر شکل قراردادهای مشارکتی در نظام بانکداری است.^۱

اما جدای از ریسک موضوع مدت و زمان نیز مطرح است. اگر در عقود مشارکتی مدت مبنا قرار گیرد آن معامله ربوی خواهد بود. در واقع در عقود مشارکتی مدت دخیل نیست. به عنوان مثال، در عقد مشارکت مدنی نمی‌توان بانک را الزام به تخفیف کرد. به طور مثال اگر تسهیلات داده شده ۶ ماهه است و شخص ۳ ماه زودتر مبلغ را به صورت یکجا پرداخت کند نمی‌توان از بانک انتظار داشت که سودی دریافت نکند چرا که در این صورت ماهیت این عقود بانکداری غربی یا همان ربوی می‌شود. اگر تسهیلات باید در شش ماه پرداخت شود و سپرده‌گذار در سه ماه اقدام به تصفیه حساب کند باید سود و بهره‌ای که دریافت می‌کند تابعی از زمان باشد.

۲-۷- وجه التزام تعویق در پرداخت اقساط

در تمام کشورها به‌ویژه کشورهای توسعه یافته، قوانین و مقررات محکمی برای جلوگیری و نیز مقابله با تعویق در پرداخت دیون و آثار سوء آن وضع و اجرا شده است که به‌طور کلی می‌توان این مقررات را به دو دسته تقسیم کرد.

ابتدا کسانی که به علل مختلفی دچار ورشکستگی و اعسار شده و قادر به پرداخت دیون خود نخواهند بود؛ و دوم کسانی که با وجود تمکن مالی از پرداخت دیون خود در نظام بانکی خودداری می‌کنند.

در خصوص گروه اول مقررات ورشکستگی و اعسار وجود دارد و وضعیت و تکلیف مدیونین آنها را مشخص نموده است. در خصوص گروه دوم نیز از برخی ابزارهای حقوقی همچون وجه التزام برای مقابله با آنها استفاده شده و البته قوانینی همچون قانون چک و یا قانون نحوه وصول مطالبات بانک‌ها نیز بر اعمال آنها حکومت می‌کند.

در واقع یکی از مسایل مهمی که نظام بانکی کشور با آن روبرو بوده بحث امتناع بدهکار از پرداخت به موقع بدهی است. در واقع از جمله پدیده‌هایی که آثار مخرب زیادی به همراه دارد و منجر به سلب اعتماد عمومی و کاهش معاملات مدت دار می‌شود، تأخیر در پرداخت دیون است.

۱ کار گروه دیدگاه فارس نیوز، محدودیت‌های بانک‌داری مشارکتی و لزوم تفکیک نهادی کارکرد تأمین مالی - بخش اول: صوری‌سازی برخی از عقود مالی، اقتصاد و حقوق، قابل دسترس در:

مراجعه عظام تقلید در خصوص معوقات بانکی و امتناع بدهکاران از پرداخت به موقع بدهی، تأکید می‌کنند که عدم اهتمام به پرداخت به موقع بدهی، شرعاً حرام است به خصوص اینکه تسهیلات بانکی از محل سپرده‌های مردم پرداخت می‌شود و از نظر شرعی بانک‌ها باید به عنوان وکیل حافظ منابع و منافع سرمایه‌گذاران باشند.

با این حال در مورد دریافت وجه التزام اختلاف نظر وجود دارد. در اینجا دیون مشتری که در مواعد مقرر باید پرداخت شود مصداق ارزش پولی است که زمان دارد و بانک‌ها این ارزش را مد نظر قرار می‌دهند و هزینه زمانی آن را از مشتری اخذ می‌کنند. هر چند وجه التزام به عنوان ابزاری برای مقابله با تأخیر در پرداخت دین استفاده می‌شود ولی سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا از نظر فقهی وجه التزام دارد یا خیر؟ آیا هزینه زمانی در نظر گرفته شده با مبانی فقهی سازگار هست؟ و آیا اصلاً وجه التزام قیمتی است که مشتری بابت مدت زمانی که پول را در اختیار دارد می‌پردازد؟ از همه مهمتر پولی که بانک به مشتری داده از محل سپرده‌های دریافتی از مردم بوده و تا زمانیکه مشتری آن را پس ندهد بانک بهره آن را به سپرده‌گذاران داده، حال چه منطقی دارد که به بانک بگوئیم هزینه این پول را داده‌ای ولی حق دریافتش را نداری؟ حتی از باب تسبیب هم که شده مسئول این تأخیر مشتری بوده نه بانک.

بر اساس انواع ربا که در فصول قبلی توضیح داده شد، برخی از مراجع تقلید وجه التزام را مصداق بارز ربای جاهلی معرفی کرده و آنرا حرام می‌دانند. اما برخی دیگر همانند آنچه توسط شورای نگهبان تصویب شده است، اخذ وجه التزام را با شرایطی صحیح دانسته‌اند از جمله اینکه در متن قرارداد بانکی، اخذ وجه التزام به عنوان شرط ضمن عقد قید شده باشد، یا اینکه منظور بانک از وجه التزام جنبه بازدارندگی آن باشد نه برای سود بردن؛ یعنی اخذ وجه التزام به معنای رضایت بانک به تأخیر مشتری در پرداخت اقساط خود نباشد یا اینکه حق تأخیر در پرداخت دین برای مشتری قائل نباشد بلکه همچون جرایم رانندگی، صرفاً برای ملتزم کردن مشتری برای پرداخت به موقع بدهی باشد. به هر حال در اینجا باید میان دو نوع وجه التزام در عقود بانکی تمایز قائل شویم: اول وجه التزام تخلف از مفاد قراردادی و دوم، وجه التزام تأخیر در پرداخت دیون که به صورت جداگانه بررسی می‌کنیم.

۳-۷- تخلف از مفاد قراردادی

همچون سایر عقود، قراردادهای بانکی نیز دارای شروط و مفادی هستند که بانک‌ها بر مبنای آن اقدام به اعطای تسهیلات می‌نمایند. لذا بانک‌ها نیز برای اینکه مشتری را از تخلف از شروط مزبور منع کرده و وی را ملزم به مفاد قراردادی گردانند مبلغی را با عنوان وجه التزام تخلف از شروط قراردادی به صورت شرط ضمن عقد تعیین می‌کنند که

به موجب آن، گیرنده تسهیلات ملتزم می‌شود در صورت تخلف از مفاد و شرایط قرارداد، علاوه بر پرداخت اصل مبلغ تسهیلات، مبلغی نیز با عنوان وجه التزام به‌خاطر تخلف از مفاد

قرارداد پردازد.

در اینجا مبلغی که از مشتری معمولاً دریافت می‌شود، نرخ سود تسهیلات به علاوه ۶ درصد می‌باشد. اما موضوعی که مطرح می‌شود این است که با توجه به اینکه قرارداد منقضی شده است، و مشتری مبلغ وام را پرداخت نکرده، سودی که باید پرداخت کند بابت کدام توافق یا هزینه زمانی است؟ لذا در اینجا دیگر میباید سود تسهیلات از مشتری به عنوان هزینه زمان باشد بلکه و چون در متن قرارداد دیده شده، الزام وی به ایفای تعهدات که در ماده ۲۳۰ قانون مدنی تصریح گردیده ممکن است: اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی را به عنوان خسارت تادیه نماید حاکم نمیتواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند.

۴-۷- تأخیر در پرداخت دیون

به طور کلی برای پرداخت دیون ناشی از قرارداد اعطای تسهیلات، موعد یا مواعیدی مشخص می‌شود که مشتری باید مطابق آن بدهی خود را تسویه نماید. برای اینکه مشتری از پرداخت به موقع بدهی تخلف ننماید، بانک در متن قرارداد به صورت شرط ضمن عقد مبلغی را به عنوان وجه التزام تأخیر در پرداخت دیون تعیین می‌نماید که به موجب آن مشتری ملتزم می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت دیون، این مبلغ را به بانک پردازد. میزان این وجه التزام ابلاغیه‌های بانک مرکزی مشخص شده است و در متن عقود بانکی نیز درج می‌گردد که میزان آن بین ۶ الی ۱۴ درصد به تناسب دوره و مدت زمان تأخیر تعیین شده است.

مبلغی که مشتری در فرض اخیر باید پردازد را برخی بانک‌ها سود ادامه قراردادی که منقضی شده نامیده‌اند. این بدان معنی است که بانک چنین مبلغی را در قبال زمان دریافت می‌کند. در اینجا و در این صورت شبهه‌هایی مطرح می‌شود که دریافت این مبلغ را با مشکل شرعی همراه می‌سازد. لذا بانک‌ها از استعمال چنین اصطلاحی خودداری می‌کنند. در واقع مطابق ضوابط بانک مرکزی، در متن قراردادهای اعطای تسهیلات قید وجه التزام به عنوان شرط ضمن عقد ضروری است. این امر به خاطر دوری از شبهه ربا و نگاه درآمدی به وجه التزام است. به همین دلیل، بانک‌ها در صورتی که مشتری مبلغ وام خود را زودتر از موعد پرداخت نماید مبلغی را به عنوان پاداش خوش حسابی در نظر می‌گیرند. یعنی اینکه برای زمان ارزش پولی در نظر می‌گیرند.

۵-۷- چالش‌های فقهی

دریافت جریمه دیرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی از جمله بحث‌های چالشی و مورد نقد نظام بانکداری بدون ربا در ایران است. به کارگیری راهکار دریافت جریمه دیرکرد بر مبنای شرط ضمن عقد درباره حل معضل مطالبه‌های معوق از جمله بحث‌های جنجالی در دوران پس از

انقلاب شمرده می‌شود که امروزه بیش از هر زمان دیگر انتقاد شده است. گرفتن این جریمه از لحاظ فقهی مورد مناقشه است و از لحاظ کارآمدی و اقتصادی روش مطلوبی برای کاهش معضلات مطالبه‌های معوق در کشور نیست.

در یک نگاه کلی دریافت جریمه دیرکرد، به نظر برخی از فقها، مخالف با موازین شرعی است و از نظر گروهی دیگر با در نظر گرفتن شرایطی، راهکاری صحیح و مشروع برای حل معضل مذکور به شمار می‌آید. طرفداران دیدگاه مشروعیت، دریافت جریمه دیرکرد در عقود بانکی را بر اساس دو مبنا صحیح و مشروع می‌دانند. مبنای اول شرط

کیفری مالی است که از نظر فقهی تحت عنوان قاعده المؤمنون عند شروطهم قرار می‌گیرد و مبنای دوم نیز تعزیر مالی مشتری متخلفی است که با وجود تمکن مالی در ایفای تکلیف شرعی خود یعنی ادای دین کوتاهی نموده است. مخالفان دریافت جریمه دیرکرد نیز بر این باورند که دریافت این جریمه در عقود بانکی بر اساس دو مبنای شرط کیفری مالی و تعزیر مالی متخلف مخدوش است. این دسته از فقها بر این قائلند که شرط دریافت جریمه از مشتریان بدحساب بر اساس مبنای اول به جهت ربوی بودن، باطل محسوب می‌شود، زیرا دریافت زیاده بر مبلغ اصلی دین اگر در قرارداد قرض باشد، شرط سود به شمار می‌آید و اگر در سایر عقود باشد، مصادق ربای جاهلی است. همچنین مبنای دوم نیز به جهت قرار گرفتن در زمره امور قضایی برای نظام بانکی که متشکل از بانک‌ها و موسسات دولتی و خصوصی است، کاربردی ندارد.^۱

از سوی دیگر می‌توان گفت که دریافت خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای ضمان کاهش ارزش پول استوار است. در واقع اگر مدیون با وجود مطالبه داین و برخورداری از تمکن مالی لازم ادای دین را به تعویق اندازد و از زمان سررسید تا تاریخ تسویه کامل مالیت و قدرت خرید پول با کاهش مواجه شود، به طور قطع و مستندا به ماده ۵۲۲ قانون این دادرسی مدنی می‌بایست آن را جبران کند، زیرا با فعل خود یعنی تأخیر در پرداخت بدهی به نحوی در ورود ضرر ناشی از این کاهش به صاحب پول دخیل بوده و بر ذمه اوست که نرخ تورم را بر مبلغ اصلی دین بیفزاید تا معادل ارزش واقعی دین را به طلبکار پرداخت کرده باشد و بری الذمه شود. در واقع اگر تنزل ارزش پول بین زمان تحقق دین و ادای آن به نحو فاحش باشد، عرف وقتی مدیون را بری الذمه می‌شمارد که معادل ارزش واقعی پول را به داین بپردازد. بنابراین اگر مدیون تنها به پرداخت ارزش اسمی پول اکتفا کند عرف عام او را بری الذمه نمی‌داند.^۲ ضمن اینکه در آیه شریفه ۲۷۹ سوره بقره با بیان لاتظلمون و لا تظلمون تصریح می‌دارد که وام دهنده نیز نباید مورد ظلم قرار

۱ رحیم پور، حامد، جرایم دیرکرد؛ از شروط مراجع تا عملکرد بانک‌ها، روزنامه اصبح ایران، ۱۳۹۳، ص. ۱۰.
 ۲ ملاکریمی خوزانی، فرشته، بررسی مبنای دریافت جریمه دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی، ویژه نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰.

گیرد بدیهی است می باید ارزش واقعی پول خود را دوباره دریافت کند وگرنه به او ظلم می‌شود اما این راهکار از جهت فقهی محل بحث است. گروهی از فقیهان به عدم مشروعیت ضمان کاهش ارزش پول به صورت مطلق حکم داده اند. یعنی چه پرداخت بدهی به موقع باشد و چه با تأخیر انجام شود اگر پدیده کاهش ارزش پول اتفاق افتد، مدیون به پرداخت مبلغ اسمی بدهی مؤظف است و جبران کاهش ارزش پول بر وی لازم نیست. آنان در حکم به عدم جواز به دلایلی مانند مثلی بودن پول و شبهه ربا استناد کرده اند. در برابر گروه اول، برخی از فقیهان باور دارند اگر در شرایط تورمی ارزش پول با کاهش روبه رو شود، جبران آن بر عهده مدیون است. آنان باور دارند آنچه در پول امروزی اعتبار دارد، مالیت، ارزش و قدرت خرید آن است، بنابراین آنچه در ادای دین باید مراعات شود، پرداخت پول به همان میزان قدرت خرید است.

بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد، در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی مبلغی معادل دوازده درصد بدهی به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد.

این راهکار گرچه مورد تأیید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند، اما از جهت فقهی محل بحث است و فقیهان نسبت به جواز آن شبهه‌هایی را وارد دانسته‌اند. تحلیل فقهی این موضوع که در بحث‌های فقهی تحت قاعده مطرح می‌شود، نشان می‌دهد که هر شرط ضمن عقدی که اولاً مخالف مقتضای عقد نباشد؛ ثانیاً مخالف کتاب و سنت نباشد و ثالثاً مورد توافق طرفین باشد، صحیح و مانند عقد لازم الوفا است. شبهه‌های وارده به این راهکار اغلب مربوط به شرط دوم می‌شود، چرا که احتمال وقوع ربای قرضی یا ربای جاهلی افزایش دین در برابر تمدید مدت و نیز احتمال به کارگیری حيله برای دریافت ربا از جمله مواردی است که چنین شبهه‌هایی را پدیدار ساخته است.

به ظاهر امر عملکرد بانک‌ها در اینکه به بدهکار این اختیار عمل را می‌دهند که اصل بدهی را در سررسید تأدیه کنند یا با تأخیر اصل بدهی و اضافه‌ای بر آن را بپردازند به معنای استمهال در ازای پرداخت اضافه است و در دایره ربای جاهلی قرار می‌گیرد. از آنجا که موضوع قراردادهای بانکی دین است یا در سررسید به دین تبدیل می‌شود ماهیت و حکم شرط گرفتن جریمه در قراردادهای گوناگون بانکی بدون تغییر باقی می‌ماند.^۱

۱ قلیچ، وهاب، ملاکریمی، فرشته، تحلیل چالش‌های جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا و ارائه راهکار جایگزین، اقتصاد اسلامی، سال پانزدهم، ش. ۵۹، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۹-۱۵۵، صص. ۷-۱۰

نتیجه‌گیری

۱- در بانکداری اخلاق محور بخصوص اخلاق اسلامی که مورد بحث ما میباشد میبایست اصول اخلاقی حاکم بر بانکداری اسلامی در تمام بخش‌های بانکداری حاکم باشد تا بانک بتواند علاوه بر اهداف متعارف نظام بانکی، با احترام به حقوق احاد جامعه به حفظ ثبات نظام اقتصادی اجتماعی، صیانت از محیط زیست و اجرای عدالت اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی بشر کمک برساند.

۲- در فقه اسلام همه فقها قبول دارند در هر معاوضه‌ای عوضین باید مالیت داشته باشند و صرف مال بودن کفایت نمی‌کند چرا که مال امری است اصیل و ناظر بر علت مادی و وجودی اما مالیت امری است تبعی برخاسته از دستگاه‌های اعتباری و بشری و به همین دلیل خوشبختانه در کتب فقهی ملاحظه می‌شود فقهاء عظام بین یخ در زمستان با یخ در تابستان حسب وصف زمانی آن تفاوت قائل شده‌اند در حالیکه از نظر مال بودن تفاوتی ندارد این کالا (یخ) همان کالا است علیهذا با تفصیل و قیودی ارزش زمان را می‌پذیرند و در این راستا میتوان به قاعده معروف (و للاجل قسط من الثمن) نیز اشاره کرد بخصوص در معاملات سلف که ثمن حال و مثنی موجب است این تأخیر در تحویل مثنی را مجوزی برای پرداخت ثمن کمتر از قیمت حال می‌پذیرند و عکس آن نیز در معامله نسبه یا اقساطی که مثنی حال است و ثمن موجب این تأخیر در دریافت ثمن را مجوز اخذ قیمت بیشتر نسبت به قیمت حال می‌دانند.

بنابراین نتیجه به رسمیت شناختن ارزش برای زمان به این معنی است که در تسهیلاتی که بانک‌ها با هدف اجرای طرحهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی (بجز قرض الحسنه که احکام خود را دارد) به کارآفرینان می‌پردازند هم، زمان دارای ارزش است و اگر برای زمان ارزش قائل شویم که قطعاً دارای ارزش است در اینصورت ارزش زمان در بازپرداخت تسهیلات به عنوان هزینه تمام شده پول لحاظ می‌گردد نه زیادتی مصداق ربا.

لذا مشاهده می‌شود اولین ویژگی بانکداری متعارف این است که در این سیستم، قرض در مقابل بهره و با تضمین اصل سرمایه صورت می‌گیرد و دومین ویژگی بانکداری متعارف، خلق پول اعتباری توسط بانک‌ها است و اثر این دو شاخصه در اقتصاد کلان منجر به توزیع ناعادلانه ثروت می‌شود. هم در مسیر بانکداری ذخیره جزئی و هم قراردادهای ربوی ممکن است تولید ثروت کنند اما در زمان توزیع ثروت، بی‌عدالتی پدید خواهد آمد و به همین دلیل رباخواری در نزد اسلام مذموم و به شدت منع شده است چرا که دین اسلام معتقد است ثروت باید در میان همه مردم به صورت عادلانه تداول داشته باشد.

در قانون عملیات بانکی بدون ربا فرض را بر این گرفته‌اند که خلق پول، حق مُسَلَّم

بانک‌هاست اما باید سعی کنیم در تخصیص منابع از عقود شامل عقود مبادله‌ای و مشارکتی استفاده کنیم که مبتنی بر بانکداری اسلامی باشد این به عنوان قدم اول خوب است اما کافی نیست لذا لازم است اولاً؛ فرق زیادتی دریافت نمودن به دلیل ربا با زیادتی دریافت نمودن به دلیل هزینه تمام شده پول مثل ارزش زمانی پول و نیز دریافت نمودن زیادتی به دلیل کاهش ارزش پول ناشی از تورم فرق قائل شویم والبته به وسیله خبرگان این مرزبندی مشخص شود بعد بگویند حالا اضافه دریافتی از این مبالغ مصداق رباست و حرام و ممنوع است.

ثانیاً؛ فرق اضافه دریافتی در پول قرض داده شده برای رفع حوائج شخصی که طرفین دیدگاه تجاری و درآمدی به آن ندارند با پول تجاری که برای سرمایه‌گذاری و کسب منفعت تعریف و تعیین شود، در اولی قرض دهنده به عنوان امر عبادی با خدا معامله میکند ولی در دومی یک امر تجاری و با هدف سود اوری اقدام میشود که مصداق تجارتا عن تراض میباشد. تنها در این صورت و پس از این شفاف سازی مردم دیگر تصور نخواهند کرد که عقودشان صوری است و با رعایت مرزبندی توسط خبرگان مردم کسب حلال را انتخاب کرده و به سمت ربا نخواهند رفت.

با سپاس فراوان از تمامی اساتیدی که از محضرشان فیض برده‌ام.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- باقری محمود، رحمانی سعید، حمایت از حقوق مصرف کننده در نظام بانکی، پژوهشکده پولی بانکی بانک مرکزی، تهران، ۱۳۹۶
- ۲- عیوضلو، حسین، کریمی، مجید، شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان، دوره ۸، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
- ۳- السان، مصطفی، حقوق پرداخت‌های بانکی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۹۰
- ۴- توتونچیان، ایرج، اقتصاد پولی، بانکداری، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۷۵
- ۵- زمانی فراهانی، مجتبی، پول، ارز و بانکداری، تهران، ترمه، ۱۳۸۹
- ۶- ماجد، علی، گلریز، حسن، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش بانکداری، تهران، ۱۳۶۷
- ۷- حسینی بهشتی، سید محمد، بانکداری، ربا و قوانین مالی اسلامی، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید دکتر بهشتی، تهران، ۱۳۸۷
- ۸- زمانی فراهانی، مجتبی، بانکداری خارجی، ترمه، تهران، ۱۳۸۵
- ۹- بهنود، محمد و سایرین، بانکداری داخلی یا تجهیز منابع، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، تهران، ۱۳۸۹
- ۱۰- حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی، هجدهمین نشست نقد پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی (سلسله جلسات نقد و بررسی پژوهش‌های بانک‌داری و مالی اسلامی)، «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی»، ۱۳۹۵
- ۱۱- ملاکریمی خوزانی، فرشته، بررسی مبانی دریافت جریمه دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی، ویژه نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۹۰
- ۱۲- زمانی، محمود، نقش زمان و مکان در اجتهاد از دید شهید صدر، نقد و نظر، سال دوم، ش. ۵.
- ۱۳- زاهدی وفا، محمدهادی، پیغامی، عادل، پول و زمان در نظریه توزیع اقتصاد اسلامی، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، ش. یک، ۱۳۸۸



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی